



شورای همبستگی آزادی برای ایران  
Freedom For Iran Solidarity Council

## گزارش کامل نشست نهم «مشارکت مردمی؛ حق بنیادین یا امتیاز بی‌فایده؟»

موضوع گفت‌وگو: مشارکت مردمی؛ حق بنیادین یا امتیاز بی‌فایده؟

زمان برگزاری: ۲ مهر ۱۴۰۴ - ساعت ۲۲:۰۰ به وقت تهران

میزبان جلسه: شورای همبستگی آزادی برای ایران

حاضرین:

- سیروس ارغوان (دبیر شورا)
- کی‌پرویز ورجاوند (سرپرست اداره امور همبستگی)
- آقای شعوبیه (میهمان رسمی)

### مقدمه و طرح هدف گفتگو: نقد فضای گفتمانی توییت‌ر و ضرورت عمل میدانی

آغاز نشست با بررسی بازخوردهایی از جلسات پیشین شورا همراه بود. یک پیام انتقادی به سیروس ارغوان (دبیر شورا) ارسال شده بود که نشان می‌داد در برخورد با هم‌وطنانی که دانش یا تجربه کمتری دارند، صبر کافی وجود ندارد. در این پیام بیان شده بود که مردم از موقعیت خود در ایران خسته و ناامید شده‌اند، اما پاسخ به این شرایط «پرخاش به یکدیگر نیست». در پاسخ، سیروس ارغوان تأکید کرد که شورا نگاهی «جامعه‌محور» دارد و هدفش ایجاد فضایی است که در آن همه افراد، حتی با دانش کم، بتوانند نظرات خود را بیان کرده و مشارکت کنند. طیف مورد حمایت شورا بسیار گسترده است و کل جامعه، از عوام گرفته تا افراد صاحب‌نظر، را شامل می‌شود.

پیام دیگری در خصوص سرعت تحولات مطرح شد که در آن اشاره شده بود سرکوب فعالیت‌های خیابانی و تظاهرات سیاسی، توقع تحولات کلان و بلافاصله را در مردم ایجاد کرده است. در این پیام، ضمن موافقت شخصی با دخالت نیروی خارجی، تأکید شده بود که اگر نیروی خارجی جمهوری اسلامی را برنیزدازد، فروپاشی سال‌ها یا حتی دهه‌ها طول خواهد کشید.

سیروس ارغوان با تأیید این موضوع که حمله خارجی می‌تواند سقوط جمهوری اسلامی را سرعت ببخشد، این راه را «راه رفتن لبه تیغ» دانست. وی افزود که باید مراقب باشیم که توافق با این حملات به گونه‌ای برداشت نشود که مردم خواستار حمله به کشور هستند، بلکه باید از فرصت‌های ایجاد شده توسط جامعه جهانی برای اعمال فشار، استفاده کرد. او همچنین تأکید کرد که باید این سیگنال به خارج داده شود که فشارها در جایی متوقف شود تا مردم خودشان درباره آینده کشور تصمیم بگیرند.

کی‌پرویز ورجاوند (مسئول امور همبستگی) نیز در پاسخ به نقدها، شرایط گفتمان در اسپیس‌های باز را دارای پیامدهای خاص خود دانست. وی بیان کرد که افراد به ویژه کسانی که در ایران هستند و از گفتمان‌های بی‌نتیجه سرخورده شده‌اند، گاهی تندگویی دارند. ایشان وظیفه افراد سازمان‌دهنده را «سنگ صبور» بودن و حفظ گفتمان دانست تا مردم سکوت نکنند.



## شورای همبستگی آزادی برای ایران Freedom For Iran Solidarity Council

در ادامه، سیروس ارغوان به پیشنهادی از سوی آقای شعوبیه (میهمان رسمی) در جلسه پیشین اشاره کرد مبنی بر اینکه جلسات به دو بخش تقسیم شوند: جلسات باز برای مشارکت عموم و جلسات تخصصی برای تمرکز بر موضوعات خاص. وی این ایده را بسیار خوب دانست و اعلام کرد که در حال کار بر روی مکانیزم اجرایی آن هستند تا بتوان در انتهای جلسات تخصصی، فرصتی ۲۰ دقیقه‌ای برای نظرخواهی از حاضران فراهم کرد.

### نقد فضای گفتمانی توییت‌ر و ضرورت عمل میدانی

آقای شعوبیه با ورود به بحث، محیط توییت‌ر را «محیطی بسته» قلمداد کرد. او مدعی شد که اکثریت کسانی که در این فضا حضور دارند، بیشتر به دنبال بروز «عقده‌های سرخورده» شخصی هستند و بحث‌ها به جای «مباحثه» به «مجادله» کشیده می‌شود. ایشان اظهار داشتند که فعالیت در این فضا بازخورد مدنظر شورا را در پی نخواهد داشت، زیرا توییت‌ر از لحاظ دموگرافیک (چه از نظر کاربران داخل ایران و چه خارج) تأثیر بسزایی بر قشر مورد هدف شورا در ایران ندارد.

آقای شعوبیه تأکید کرد که پس از سه سال، جامعه باید از بحث‌های تئوریک (مانند توضیح انواع فدرالیسم) عبور کرده باشد، زیرا مباحث تئوریک اگر به «قسمت عملی جریان» کمک نکند، فایده‌ای ندارد. وی خواهان سنجش توان عملیاتی شد و پرسید که آیا چند نفر از فعالان حاضر در اتاق که روی هم شاید ۱۰ تا ۱۵ هزار فالوور دارند، قادر هستند که در سه محله کشور پنجاه دیوانرویی بکنند. به نظر ایشان، اگر نتیجه ملموس مبارزاتی در «کف اجتماع» دیده نشود، فعالیت صرفاً حرف زدن و «بیهوده» خواهد بود و باید کار میدانی هم انجام شود.

سیروس ارغوان با دیدگاه عملیاتی شدن مبارزه موافق بود. ایشان یکی از دلایل از بین رفتن اعتبار گروه‌های سیاسی خارج از کشور را این دانست که به جای تمرکز بر مبارزه با جمهوری اسلامی، انرژی خود را بین آن مبارزه و «مبارزه با رقیب» تقسیم می‌کنند و به یکدیگر سنگ‌پرانی می‌کنند. او این دوگانه‌سازی را دقیقاً همان چیزی دانست که رژیم برای ایجاد تفرقه به آن نیاز دارد. او معتقد بود که «سیستم فکری» جمهوری اسلامی «خودبرانداز» است و حتی اگر هیچ مبارزه‌ای صورت نگیرد، خود به خود از بین خواهد رفت. هدف شورا باید کاهش میزان خسارت ناشی از گذار باشد. سیروس ارغوان همچنین تصریح کرد که جامعه جهانی تنها به دنبال منافع خود است و برای محدود کردن جمهوری اسلامی به مرزها کار می‌کند، نه برای ایجاد دموکراسی در ایران.

### مقایسه حرکت «از بالا به پایین» و «از پایین به بالا» در عمل سیاسی

یکی از شرکت‌کنندگان به نام برسام با اشاره به ضرورت شفافیت، از سیروس ارغوان پرسید که آیا شورا یک «شورای انقلابی» است یا یک «شورای سیاسی». وی تأکید کرد که شورای انقلابی باید «سیاه‌بازی‌های سیاسی» را کنار بگذارد و صادقانه و روراست با مردم صحبت کند. او به رویکرد شورا اعتراض کرد و آن را «از بالا به پایین» دانست. برسام پیشنهاد کرد که باید «خواسته مردم ایران» را از پایین گرفت، سپس آن را در اتاق‌های فکر سیاسی تجزیه و تحلیل کرد تا به صورت پخته و شسته رفته به نفع «رستخیز ملی میهنی ایران» ارائه شود. او بر این باور بود که باید محتوا را از پایین گرفت تا حرکت ایجاد شود. برسام علت بی‌اعتمادی مردم ایران به سیاسیون را سؤالی دانست که باید ابتدا به آن پاسخ داده شود.



## شورای همبستگی آزادی برای ایران Freedom For Iran Solidarity Council

سیروس ارغوان در پاسخ به برسام گفت که شورا به هیچ عنوان به دنبال خط دهی «از بالا به پایین» نیست و اتفاقاً برعکس، می‌خواهد مردم ایران در آینده خود مشارکت کنند. ایشان اظهار داشتند که همه حاضران در شورا در پایین هرم قرار دارند و در کنار هم تصمیم می‌گیرند. خروجی خرد جمعی این جامعه به یک «حرکت انقلابی» تبدیل می‌شود و گروهی که این کار را انجام می‌دهد، «خروجی فکری این جامعه» را به اجرا می‌گذارد.

آقای شعبویه با دیدگاه برسام مبنی بر حرکت «از پایین به بالا» در سیاست مخالفت کرد. وی استدلال کرد که حرکت در «علم سیاست» باید از «کل» (بالا) به «جزء» (پایین) باشد. ایشان دلیل شکست اپوزیسیون موجود را تلاش برای بسط دادن خواسته‌های جزئی از اجتماع به کل جامعه متکثر ایران دانست.

آقای شعبویه تأکید کرد که اگر حرکت «انقلاب توده‌ای» باشد، در فردای براندازی «جامعه مدنی» شکل نخواهد گرفت و ناخودآگاه «یک حکومت دیکتاتوری دیگر» به وجود خواهد آمد. بنابراین، حرکت باید از «هسته‌های مدنی» شروع شود.

### تدوین مانیفست شفاف و برنامه‌ریزی عملیاتی برای جذب جوانان

سیروس ارغوان با درک ضرورت حرکت عملیاتی، پرسید که «قدم اول عملیاتی» چیست و چگونه می‌توان مردم را در این فرایند مشارکت داد.

کی‌پرویز ورجاوند بر جذب قشر جوان و انجام «حرکت‌های کم‌هزینه» برای مشارکت آن‌ها تأکید کرد. او پیشنهاد کرد که «نظریه سازماندهی» یا «ایدئولوژی مبارزاتی» به زبان ساده و کوتاه تدوین شود تا «عرق ملی» را در ایرانیان جا دهد و بدانند که این حرکت برای نجات نسل آینده و کشورشان است. ایشان از آقای شعبویه خواست تا در توسعه و تدوین این نظریه کمک کند.

آقای شعبویه در تبیین قدم عملیاتی، فرض را بر تشکیل یک گروه فرضی ۱۰ نفره به نام «گروه زد» برای براندازی گذاشت. وی گفت اولین قدم این گروه باید برقراری رابطه با مخاطب «کف کوچه و خیابان» باشد.

ایشان بر لزوم تدوین یک متن کاملاً شفاف تأکید کرد که در آن موضع گروه برای جامعه، حکومت، استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی مشخص باشد. وی گفت مردم ایران «زخم‌خورده» هستند و از «ریسمان سیاه و سفید» هم می‌ترسند؛ بنابراین بحث‌های کلی و «تک‌بعدی» کارگشا نیست. متن ارائه شده باید بتواند «جرقه‌ای ایجاد کند» تا مردم حاضر به کار میدانی مانند پخش شب‌نامه یا شعارنویسی شوند.

آقای شعبویه هشدار داد که در فضای فعلی باید «محتاطانه» حرکت کرد، زیرا جمهوری اسلامی ممکن است کشور را به «جنگ داخلی» بکشد و این کارها از آنها بعید نیست. وی همچنین نگرانی اخلاقی شدید خود را در مورد سلامت، امنیت و جان کسانی که می‌خواهند کار میدانی انجام دهند، ابراز کرد. او پیشنهاد داد که گروهی که آرمان‌ها را تفسیر می‌کند، باید با «نخبگان فعال صفر کیلومتر داخل ایران» تماس برقرار کند و آموزه‌ها را به آن‌ها تفهیم کند تا هسته‌های مدنی شکل بگیرد. این هسته‌ها، که ارتباطشان کاملاً «نظری» و در یک راستا است، تشکیلاتی را به وجود می‌آورند که تخریب آن غیرممکن است.



## شورای همبستگی آزادی برای ایران Freedom For Iran Solidarity Council

سیروس ارغوان در جمع‌بندی این بخش، اظهار داشت که شورا یک «پلتفرم» است و هر آنچه اضافه می‌شود، باید در قالب «کارگروه‌های عملیاتی» باشد که دارای «دستور کار مشخص» (سیاسی یا نظامی) هستند و باید پاسخگوی افکار عمومی باشند.

### پاسخ به پرسش محوری: مشارکت مردمی؛ حق بنیادین یا امتیاز بی‌فایده؟

کی‌پرویز ورجاوند به منظور پاسخ به پرسش محوری جلسه، مشارکت مردمی را از سه منظر بررسی کرد:

- **منظر نظری و حقوقی:** مشارکت به عنوان «حق بنیادی» در حقوق طبیعی، دموکراسی و استانداردهای بین‌المللی (مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر) وجود دارد. ایرانیان باید از «بی‌تفاوتی» خارج شده و به این حق خود ارج نهند.
- **منظر عملی:** تأثیر مشارکت در دموکراسی‌های جهان (مانند سوئیس، آمریکا) دیده می‌شود.
- **مشارکت به عنوان امتیاز:** مشارکت به عنوان امتیاز با چالش‌ها و محدودیت‌هایی از جمله نبود شفافیت، تمرکز قدرت، نابرابری در دسترسی‌ها و بی‌اعتمادی همراه است. شواهد این امتیاز بی‌فایده در ایران «انتخابات نمایشی» و «پروژه‌های توسعه بدون اقدام» است.

در جمع‌بندی نهایی، دبیر شورا بیان کرد که حق مشارکت همه مردم باید لحاظ شود، اما «نخبگان جامعه» نیز باید از این فرصت استفاده کنند و خوراک فکری درستی تولید نمایند تا این مشارکت «معنادار» باشد. به گفته ایشان، این امر مردم را ترغیب می‌کند که از خانه نشینی خارج شوند.

آقای شعبویه در آخرین اظهارات خود، اکثریت جمعیت ایران را «فارغ» از تفکرات پیش و پس از انقلاب ۱۳۵۷ (چه جریان‌های باورمند به رژیم شاه و چه مخالفان) دانست. ایشان تأکید کرد که هیچ‌کدام از این جریان‌ها نتوانسته‌اند اکثریت جامعه ایران را بسیج کنند و همه آن‌ها باید کنار گذاشته شوند. وی نتیجه گرفت که در این مرحله، مشکل تعاریف تئوریک وجود ندارد و فقط باید سازوکارها تنظیم و اجرا شوند.

### چکیده تحلیلی گزارش

- **محورهای اصلی گفت‌وگو:**
  - گفت‌وگو حول محور گذار از تئوری‌های انتزاعی به اقدامات عملیاتی ملموس در کف خیابان متمرکز بود.
  - ضرورت شفافیت و تعریف روشن مفاهیم بنیادین (آزادی، استقلال، عدالت) به عنوان پیش‌نیاز هرگونه فعالیت میدانی مورد تأکید قرار گرفت.
  - نقد جدی به محدودیت‌های بازخوردگیری و اثرگذاری فضای توییتر بر قشر مورد هدف در داخل ایران مطرح شد.
- **چالش‌ها و نقدها:**
  - چالش اصلی، بی‌اعتمادی مردم زخم‌خورده ایران به سیاسیونی است که انرژی خود را صرف «مبارزه با رقیب» می‌کنند و منجر به «دوگانه‌سازی» می‌شوند.



## شورای همبستگی آزادی برای ایران Freedom For Iran Solidarity Council

- انتقاد به رویکرد «از بالا به پایین» در سازماندهی مطرح شد، هرچند که آقای شعوبیه (میهمان رسمی) این رویکرد را در علم سیاست برای جلوگیری از «انقلاب توده‌ای» و شکل‌گیری «دیکتاتوری دیگر» ضروری دانست.
- نگرانی‌های عمیق اخلاقی در مورد امنیت و جان فعالانی که قرار است اقدامات کم‌هزینه و پرخطر را در داخل کشور انجام دهند، بیان شد.
- **راهکارها و مدل پیشنهادی شورا:**
  - شورا خود را به عنوان یک «پلتفرم» تعریف کرد که وظیفه‌اش «قدرت دادن به جامعه» و ارائه «محصول فکری» قابل درک برای عموم است، نه سیاست‌بازی.
  - راهکار عملیاتی پیشنهاد شده، تدوین یک مانیفست (نظریه سازماندهی) بسیار شفاف و ساده بود که بتواند «عرق ملی» را در جوانان برانگیزد و هسته‌های مدنی را حول یک «ارتباط نظری» شکل دهد تا ساختار غیرقابل تخریب ایجاد شود.
  - نخبگان باید خوراک فکری را تولید کرده و به درستی در اختیار مردم قرار دهند تا مشارکت معنادار شود و میزان خطر برای فعالان در سایه حمایت بیشتر کاهش یابد.
- **نتیجه‌گیری کلی درباره مسیر آینده:**
  - مشارکت مردمی در تئوری یک حق بنیادی است، اما در شرایط فعلی ایران به دلیل نبود شفافیت و «انتخابات نمایشی»، به یک امتیاز بی‌فایده تبدیل شده است.
  - برای احیای این حق، باید از تفکراتی که اکثریت مردم ایران را بسیج نکرده‌اند، فاصله گرفت و با رویکردی مستقل، محصولی فکری و عملیاتی (مانیفست) طراحی شود که قادر به چالش کشیدن الیت جامعه و بسیج عمومی باشد.
  - هدف اصلی باید کاهش خسارت ناشی از گذار باشد، زیرا آنگونه که به نظر می‌رسد، رژیم از درون در حال براندازی است.